

بنام خدا

درس تاریخ تشیع تاریخ برگزاری سه شنبه ۹۹/۲/۲

مدرس دهقان نژاد

جایگاه قم در ترویج تشیع در ایران

مهاجرت طایفه اشعری ها از کوفه به قم را، میتوان یکی از علل رشد تشیع در ایران برشمرد و قم را از نخستین مناطق شیعی ایران دانست. منطقه قم از جمله شهرهایی بود که در سال ۲۳ هجری به دست مسلمانان افتاد و با فرماندهی ابوموسی اشعری فتح شد و مردم آن دیار به اسلام روی آوردند. پس از گذشت شصت سال این شهر و اطراف آن توسط قبیله اشعری که از اهالی کوفه بودند، به عنوان پناهگاهی امن برگزیده شد و آنان از ترس حجاج بن یوسف، که از حکام اموی در عراق و از قاتلان جریان شیعی بود، از کوفه به سوی قم به عنوان مامنی مناسب سفر کردند. فرزندان سعد بن مالک بن عامر اشعری به نامهای عبدالرحمان و عبدالله و احوص و اسحاق و نعیم در اطراف قم ساکن شدند. به دنبال آن بستگان و عموزادگانشان نیز به قم آمدند و بر این منطقه تسلط یافتند؛ عبدالله فرزند بزرگ سعد بود. وی پسری داشت که شیعه امامی بود و در کوفه رشد یافته بود. او هم از کوفه به قم آمد و میتوان گفت که او افکار تشیع را به قم انتقال داد. قم به لحاظ امنیت نسبی و استقرار گروهی از علاقمندان به اهل بیت (ع) و ارتباط آنان با امامان شیعی، به مرکزی عمده برای حدیث امامی مبدل شد و از این روی، قم مرکزی برای تشیع شناخته شد که کمک بسیاری در رشد مذهب شیعه امامی به لحاظ پناهگاه اصلی دانشمندان محدث امامی و تبعیت از امامان (ع) را به خود اختصاص داده است.

عصر عباسی و گسترش تشیع در ایران

با سقوط بنی امیه، عباسیان که با استفاده از مفهوم آل محمد (ص)، حکومت را تدریجا و پس از سی سال، برای خود تثبیت کردند در نهایت به سمت تسنن کامل گرویدند. ذهنیت مثبت مردم نسبت به علویان همچنان به قوت خویش باقی ماند و عباسیان نتوانستند آن را از میان ببرند. هنوز یک دهه از پیروزی عباسیان نگذشته بود، که علویان به عنوان یک جانشین و رقیب جدی برای آنان به اوج محبوبیت دست یافتند، گرچه شرائط سیاسی و اجتماعی با آنان همراهی نکرد و نتوانستند دولت عباسی را سرنگون کنند. تشیع در غالب زیدی و امامی و اسماعیلی آن باقی ماند و هیچگاه از میان نرفت. در واقع، با به قدرت رسیدن عباسیان، کسانی که از پیش در شمار هواداران علویان بودند، دریافتند که با حمایت از حرکت جدید چه اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند. این گروه، به فکر مخالفت با حکومت عباسیان افتاده و قیام‌هایی بر پا کردند.

۱- قیام شریک بن شیخ المهری: یکی از این قیام‌ها در سال ۱۳۳ هجری در بخارا با رهبری شریک بن شیخ المهری صورت گرفت که بر اساس گزارشات تاریخی شیعه مذهب بود و به گفته مولف تاریخ بخارا «مردمان را دعوت کردی به خلافت امیر المؤمنین علی رضی الله عنه و گفتم ما از رنج مروانیان، اکنون خلاصی یافتیم ما را رنج آل عباس نمی‌باید. فرزندان پیامبر باید که خلیفه پیامبر شوند. خلقی عظیم بر وی گرد آمدند». گفته شده است که سی هزار نفر به قیام شریک پیوستند. قیام شریک را باید نخستین قیام شیعی علیه عباسیان دانست که از قضا رهبری آن نه به دست علویان بلکه به دست یک شیعه عرب بوده است. این قیام نیز توسط زیاد بن صالح فرستاده ابومسلم سرکوب شد.

۲- قیام نفس زکیه: سخت‌گیری‌های منصور نسبت به علویان حسنی سبب طغیان آنان شد. از جمله قیام محمد بن عبد الله (نفس زکیه) بود که علاوه بر داشتن زمینه‌هایی در حجاز و عراق، در ایران نیز طرفدارانی داشت. هنگامی که منصور موفق شد این قیام را سرکوب کند سر شخصی را برای حامیان مالی نفس زکیه در خراسان فرستاد و مدعی شد که این سر نفس زکیه است. این اقدام از آن روی بود تا مردم خراسان یقین کنند محمد

کشته شده است. این اخبار، دست کم حضور تشیع سیاسی و یا به تعبیری که زان پس بکار رفت، تشیع زیدی را در خراسان نشان می‌دهد. منصور می‌گفت که محبت خراسانی‌ها، نسبت به آل ابی طالب با محبت ما آمیخته شده است. این به درستی مسأله‌ای بود که در پی تبلیغات عباسیان در خراسان رخ داده بود. پس از نفس زکیه هوادانش بر گرد برادرش ابراهیم گرد آمدند و او نمایندگان را برای تبلیغ به شهرهای ایران نظیر اهواز و فارس فرستاد. در میان هواداران ابراهیم ایرانیان اعم از موالی و غیر موالی نیز وجود داشتند.

۳- قیام محمد بن قاسم و ترویج تشیع در خراسان، مرو و طالقان

قیام محمد بن قاسم بن علی بارزترین قیام علویان پس از شهادت امام رضا(ع) بود. محمد مردی پارسا و نیک نهاد بود. پیروانش او را صوفی لقب دادند. زیراجامه‌ای خشن از پشم سفید بر تن داشت و در زهد و پارسایی زبانزد بود. او نیز مانند بسیاری از رهبران شیعی قیام خود را از کوفه آغاز کرد، سپس به رقه رفت. در آنجا گروهی از زیدیان به او پیوستند و همراه وی به خراسان رفتند. طولی نکشید که هزاران تن از شیعیان و علاقه‌مندان به اهل بیت از روستاها و شهرهای خراسان، خصوصا شهر مرو، با وی بیعت کردند. محمد چندی بعد به طالقان آمد و مردم را به «الرضا من آل محمد(ص)» دعوت می‌کرد. این شعار مبهم که از آغاز دعوت عباسی دست آویز بیشتر قیامها و آشوب‌های شیعیان علوی، زیدی، حسنی و حتی غیر شیعیان بود، موجب توجه و علاقه‌ی اهل طالقان و دیگر نقاط خراسان به محمد بن قاسم شد. از این رو آنان گرد او اجتماع کردند و او را شایسته خلافت و امامت دانستند.

چرایی رفتار خصمانه عباسیان با شیعیان و پیامدهای آن

عباسیان با شدت به سرکوب علویان پرداخته و شخصیت‌های برجسته آنان را کشته یا به زندان می‌انداختند. کشتن علویان از زمان منصور، آغاز شد و کمتر عامل و وزیری از بنی عباس بود که دستش به خون یکی از علویان آلوده نباشد. این کشتن به اندازه‌ای رایج بود که وقتی مهدی عباسی بنای کشتن یکی از آنان را داشت،

وزیرش به او گفت: تو تاکنون هیچ علوی را نکشته‌ای و این یک افتخار بسیار بزرگ برای توست. هنگامی که حسین بن علی شهید فُحّ قیام کرد (زمان هادی عباسی) و قیامش سرکوب گردید عباسیان سر او را از مکه به خراسان فرستادند. اشاره کردیم که منصور بر این باور بود که در خراسان محبت علویان با عباسیان آمیخته به یکدیگر است. این، نشانه نفوذ تشیع در این بلاد و یادآور خاطره فرستادن سر نفس زکیه بود. این قبیل اعمال می‌توانست نتایج ناگواری برای عباسیان داشته باشد. این جنایات که به عنوان برخورد ظالمانه با ابناء رسول الله (ص) تلقی می‌شد، می‌توانست محبوبیت زیادی برای علویان به وجود آورد.

در طول این قرن و قرن سوم این محبوبیت در حجاز، عراق و ایران به راحتی یافت می‌شد، به همین دلیل، بیشترین وحشت عباسیان از علویان بود. آنان تنها گروهی بودند که امکان جانشینی آنان برابر عباسیان وجود داشت. در تمام مدت حکومت منصور، مهدی، هادی و هارون، این قیام‌ها و مخالفت‌ها ادامه داشت. مأمون، اولین کسی است که با توجه به این واقعیت، کوشید تا خلاء موجود میان علوی‌ها و عباسی‌ها را از بین ببرد. یا به تعبیر دیگر، علوی‌ها را از مردم جدا کرده، به عباسیان پیوند دهد تا بتواند ریشه این قیام‌ها را از بیخ و بن برکند. او در پی امام رضا (ع) فرستاد تا با جذب او به دستگاه عباسی، زمینه چنین هدفی را فراهم کند. اما آن سیاست ناکام ماند و قیام‌های علوی در طول قرن سوم و چهارم هم یکسره ادامه داشت. شماری از آن قیام‌ها در ایران به پیروزی رسید و از جمله یکی از آنها منجر به تشکیل دولت علوی در طبرستان در نیمه قرن سوم شد.

تشکیل دولت علوی طبرستان و نقش آن در گسترش تشیع

از آنجا که مناطق جنوبی دریای خزر، کوههایی بلند و استوار و جنگل‌هایی انبوه و راههایی تنگ و باریک نفوذ ناپذیر و نعمتها و مواهب فراوان داشت مردم آن دیار تا مدت‌ها در برابر لشکرکشی‌ها مسلمانان مقاومت میکردند و به جز بخشهایی از طبرستان و گرگان که در اواخر قرن اول هجری فتح شد، دیگر نواحی آن سرزمین از نفوذ

خلافت عباسی به دور بود تا آنکه به وسیله داعیان شیعی، اسلام در آنجا انتشار یافت. به دنبال شکستهای پیاپی قیامهای شیعی و علوی در زمان عباسیان، آنان به دژهای طبیعی و استوار طبرستان پناه بردند تا از تعقیب و آزار خلفا و حکمرانان در امان بمانند. بنابر گزارشات تاریخ، پس از سرکوب قیام یحیی بن عمر در کوفه، سادات علوی و بنی هاشم از حجاز و شام و عراق، گروه گروه به طبرستان و دیلمان رفتند. آنان که برای استواربخشی قدرت خود، تصمیم گرفتند از علویان دعوت کنند، حسن بن زید که بعدها به «داعی اول» یا «داعی کبیر» ملقب شد دعوت آنان را پذیرفت. او که در ری زندگی میکرد راهی طبرستان شد و رهبری قیام را به دست گرفت. وی بعد از مدتی با غلبه بر حکام طاهری منطقه بر نواحی مختلف همچون آمل، ساری، گرگان، گیلان و دیلم مسلط شد و دولت علویان طبرستان را تاسیس نمود. در حقیقت این نخستین بار بود که علویان پس از قیامهای طولانی در مناطق مختلف، توانسته بودند دولتی را تشکیل دهند آنان از سال ۲۵۰ تا ۳۴۵ هجری بر طبرستان حکومت کردند. که این حضور سهم به سزایی را در توسعه تشیع به دنبال داشته است.

گروه های ملی گرا و ترویج تشیع

در دوره ی عباسی و به ویژه پس از کشته شدن ابومسلم به دست عباسیان گروه های مختلفی از مردم به ویژه در مناطق شرقی ایران به خونخواهی وی برخاستند. این قیام ها که برخی از آنها رنگ و بویی اجتماعی و ملی نیز داشت برای جذب هوادارن علوی و بهره گیری از آنان، علیه عباسیان خود را هواه خواه بزرگان تشیع و یا حتی منتسب به آنها معرفی می کردند. اسحاق ترک که بعد از قتل ابومسلم قیام کرد در جهت کسب حمایت علویان مدعی شده بود که از اعقاب زید بن علی است. شورشی دیگر یعنی الْمُقَنَع نیز مدعی خونخواهی یحیی بن زید شده بود. برازبنده رهبر سپیدجامگان خراسان نیز مدعی بود که او ابراهیم بن عبدالله علوی (برادر نفس الزکیه) است. در سیستان، سند و نیشاپور نیز جریان هایی شکل گرفت که برای اهداف خود به جانبداری از شیعیان روی آوردند که این امر می توانسته در ترویج اندیشه های شیعی در این مناطق اثر گذار بوده باشد. از سوی

دیگر تلاش این جریانات برای کسب هواداری شیعیان نشان از وجود توده های طرفدار علویان در مناطق شرقی ایران به ویژه خراسان داشته است.